

نقد و بررسی کتاب تحلیل عملیات طریق القدس

امیر رزاقزاده*

تا کنون اقدام به برگزاری همایش‌های نقد و بررسی آثار منتشره خود کرد و در نشست‌های مذکور از جمع کثیری از فرهیختگان، اساتید، فرماندهان و پژوهش‌گران مراکز گوناگون ارتش، سپاه و جهادی و دانشگاهی دعوت به عمل آورد و توانست با الهام از تجارب آنان به ارتقای آثار خود اقدام کند. اگر چه این مجموعه در چنین کاری پیش‌گام و پیش‌قدم شد اما همواره در امید به برگزاری نشست‌های مشابهی در سایر



جنگ از دیر باز نقش اساسی در بقا و حیات جوامع بشری ایفا کرده و تجلی‌گاه اراده‌ها و در بردارنده‌ی دانش، خلاقیت و آموزه‌های فراوانی است. تحقیق و بررسی ابعاد جنگ نمایان‌گر فراز و نشیب‌های بسیار و رخدادها و تحولات آن حاوی دانش، تجربه و اطلاعات ارزشمندی است که موشکافی در آن‌ها به شناخت ابعاد گوناگون این پدیده عبرت‌آموز کمک می‌کند و تجربه‌های

ارزشمندی را در اختیار آیندگان قرار می‌دهد. پدیده دفاع مقدس که در واقع یک الگوی نسبتاً کاملی از علم، اندیشه، مدیریت و راهبری منطقی در حوزه‌ی مدیریت دفاعی امنیتی و استراتژیک می‌باشد. بی‌تردید، استفاده از آموزه‌ها و تجارب به دست آمده از جنگ‌های گذشته به ویژه دفاع مقدس در طراحی مبانی و چارچوب‌های دفاعی - نظامی آینده کشور بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. تبیین نبردها و شیوه‌های بکار گرفته نیروهایی شرکت‌کننده در هر عملیات می‌تواند در این بستر مورد استفاده قرار گیرد. یکی از فعالیت‌های مهم پس از جنگ بررسی آثار انتشار یافته سازمان‌ها و مراکز شرکت‌کننده در میادین نبرد می‌باشد.

ارزشمندی را در اختیار آیندگان قرار می‌دهد. پدیده دفاع مقدس که در واقع یک الگوی نسبتاً کاملی از علم، اندیشه، مدیریت و راهبری منطقی در حوزه‌ی مدیریت دفاعی امنیتی و استراتژیک می‌باشد. بی‌تردید، استفاده از آموزه‌ها و تجارب به دست آمده از جنگ‌های گذشته به ویژه دفاع مقدس در طراحی مبانی و چارچوب‌های دفاعی - نظامی آینده کشور بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. تبیین نبردها و شیوه‌های بکار گرفته نیروهایی شرکت‌کننده در هر عملیات می‌تواند در این بستر مورد استفاده قرار گیرد. یکی از فعالیت‌های مهم پس از جنگ بررسی آثار انتشار یافته سازمان‌ها و مراکز شرکت‌کننده در میادین نبرد می‌باشد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از سال ۱۳۸۵

* راوی و پژوهش‌گر و نویسنده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

می باشد.

کتاب شناسی اثر:

عنوان: تحلیل عملیات طریق القدس

موضوع: تجزیه و تحلیل نبرد طریق القدس

ناشر: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع

مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران

پدیدآورندگان: امیر سرتیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری

و امیر سرتیپ ۲ ستاد نصرت اله معین وزیری

زمان نشر: چاپ اول ۱۳۹۰

شمارگان (تیراژ): ۴۰۰۰ نسخه

مشخصات ظاهری: قطع در ابعاد ۱۴/۵ سانتی متر

و دارای ۲۵۲ صفحه

اثر یاد شده چندمین کتابی است که از سوی ارتش در خصوص عملیات طریق القدس منتشر می شود و با اهتمام و بن مایه اطلاعاتی امیر سرتیپ ۲ ستاد امیر مسعود بختیاری که خامه ارزشمند قلم او بر سایر کتب منتشره دیگر قبلی مزین شده و هم چنین تلاش وافر امیر سرتیپ ۲ ستاد نصرت اله معین وزیری به رشته تحریر در آمده است.

این اثر را از چند منظر زیر مورد نقد و بررسی قرار می گیرد:

الف. کلیات، ب. شکلی، ج. محتوایی

الف کلیات

۱. بخش اول:

بی تردید تاریخ رشادت های نسلی که در مقابل دشمن قد علم کردند و در طول هشت سال دفاع مقدس جان فشانی و ایثارگری کردند همواره بر تارک تاریخ ایران خواهد درخشید. حماسه پایداری مردم و نیروهای مسلح اعم از بسیج، سپاه، ارتش، نیروهای نامنظم، ژاندارمری، کمیته، شهربانی و ... هیچ گاه فراموش نخواهد شد. در عین حال نکته مهمی که همواره باید مطمح نظر قرار گیرد این است که همواره رمز پیروزی ملت سلحشور ایران اتحاد،

وحدت کلمه و ایمان به تعالیم مکتب انسان ساز اسلام بوده و این مهم آموزه ای ارزشمندی برای همه اعصار تاریخ ایران هست و خواهد بود.

چنانچه هر یک از دست اندرکاران کشوری و لشکری ادعا داشته باشند که آنان محور اصلی و تعیین کننده جنگ بوده اند به طور قطع و یقین به خطا رفته اند. براین اساس لازم است تمامی آحاد ملت و نیروهای مسلح این نکته مهم را در نظر داشته باشند که چنانچه امام خمینی (ره) همواره می فرمودند: اگر در مقابل دشمن یک واحد و یک لشکر الهی باشید پیروزی از آن شما خواهد بود.

حال ضمن در نظر داشتن چنین بن مایه ای باید به تاریخ جنگ و هشت سال دفاع مقدس نگریم. گرایش غالب فرماندهان، پژوهش گران و نویسندگان ارتش درج وقایع جنگ با محوریت ارتش جمهوری اسلامی ایران می باشد و در صدد ارائه گزارش عملکرد صرف سازمان خود می باشند. بی تردید حمیت و تعصب صنفی ممدوح و ارزنده است اما نه به قیمت نادیده انگاشتن حضور و تلاش های بی بدیل دیگران.

در اکثر آثار و محصولات فرهنگی انتشار یافته ارتش جمهوری اسلامی ایران به ضعف و از هم پاشیدگی سازمان ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در بدو جنگ هشت ساله اشاره شده است. ضمن این که ارتش مقارن با یورش ناجوانمردانه دشمن اشغال گر متحمل خسارت فراوان از حیث نیروی انسانی، تجهیزات، امکانات (تسلیحات) و اماکنی نظیر پادگان ها و زاغه های مهمات شد و این روند در چهار عملیات گسترده ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ نیز تداوم یافت و سازمان رزم یگان های ارتش، آسیب بیشتر و جبران ناپذیری متحمل شد. اما پس از گذشت قریب ۹ ماه سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران، از چه قابلیت های در زمینه نیروی انسانی و تجهیزات و امکانات برخوردار

فعالانه نیروهای مردمی، محلی، عشایر، بسیج و سپاه تقویت شد و میزان آسیب‌رسانی را کاهش و بر مقاومت همگانی افزود. چیزی که در اذهان همواره مغفول مانده تجمیع اراده‌های اقشار، اصناف گوناگون مردم به رغم امکانات محدود بود و به جای استقبال از نیروی اشغالگر میهن اسلامی، آنان دلبرانه به مصاف قوای نظامی دشمن رفتند و اعتماد به نفس از دست رفته را احیا کردند این یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مقاومت عمومی در مقابل ارتش عراق بود که در چنین آثاری کمتر بدان اشاره شده یا می‌شود.

در عین حال حضور نیروهای فداکار و دلسوز ارتش جمهوری اسلامی در سه نیرو، ستاد مشترک و سایر بخش‌های پشتیبانی و لجستیک در میادین نبرد و یا در عقبه‌ها برای مقابله با دشمن ستودنی و بیادماندنی است و مسلماً باید در تاریخ ثبت و ضبط شود، اما درج مطالب ارتش به تنهایی کافی نیست و باید در ابعاد ملی حقایق مستند چه در زمینه پیروزی‌ها و شکست‌ها درج گردد.

۲. بخش دوم

باعنایت به موضوعات مطروحه در بخش اول مبحث کلیات این موضوع اساسی مطرح زیر همواره مطرح است که:

۱. جایگاه آثار ارتش در انتشار نبردها چیست؟
۲. آیا نویسندگان، پژوهشگران و سازمان‌های متولی نشر ارزش‌های دفاع مقدس دارای سند چشم‌انداز، راهبرد و رویکرد خاصی در انتشار محصولات فرهنگی خود به ویژه این کتاب هستند؟
۳. نسبت اثر منتشره چه ارتباطی با سایر آثار دارد؟
۴. انتشار این کتاب بر اساس چه ضرورتی انجام گرفته است و کدامیک از قعطات پازل راهبردی سیاست‌های اطلاع‌رسانی آن مجموعه را در بر می‌گیرد؟
۵. پاسخ به چه سوالی مغفول مانده که فرماندهان

شده که در مقابل دشمن به عنوان عامل تعیین کننده اصلی از سوی نویسندگان و فرماندهان ارتش به شمار می‌آید؟

آیا ارتش جمهوری اسلامی ایران به رغم تحریم‌ها و حصر اقتصادی جهانی و عدم وجود منابع مالی مکفی و لازم، به تسلیحات و امکانات نوینی دست یافت؟ آیا سازمان رزم و یگان‌های آن نظیر ارتش عراق از نظر کمی و کیفی توسعه قابل ملاحظه و فوق‌العاده‌ای پیدا کرد؟ آیا نظام ارتش به مانند امروز از حیث آموزش علوم و فنون دچار تغییر و تحول اساسی شد؟

نکته مغفولی که از سه دهه قبل تاکنون بعنوان مسئله اصلی هنوز نزد برخی از دست‌اندرکاران، پژوهش‌گران و نویسندگان ارتش لاینحل باقی مانده است این موضوع است که ابتدا به ارتش ظلم شد، سپس ارتش در مرزها دفاع جانانه کرد و از آن پس در نبردهای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی ایران مناطق گسترده‌ای را با اتکاء به توان عمده قوای ارتش آزاد ساخت. اگرچه با وجود تمام کم و کاستی‌ها، نیروهای جان بر کف ارتش که از تمام وجود و جان مایه گذاشتند و شهدای بسیاری برای اعتلای کلمه‌الله و میهن اسلامی تقدیم محضر الهی و سرزمین اسلامی کرد؛ اما براساس معادلات موجود توان، آموزش، روحیه و امکانات ارتش جمهوری اسلامی ایران به تنهایی کفاف مقابله، مقاومت و پس زدن ارتش عراق را نمی‌کرد. بر همین مبنا نیز دشمن با محاسبه سود و زیان عمل خویش دست به حمله به ایران زده بود. تعبیری که در خاطرات سپهبد شهید علی صیادشیرازی از دوران دفاع مقدس در آثار انتشار یافته ارتش به یادگار مانده دقیقاً مؤید این ادعاست.

اگر چه مقاومت و رشادت‌های نیروهای سلحشور ارتش در شکل‌گیری مقاومت اولیه در برخی از مناطق هجوم عراق مؤثر بود اما اینکار بعضاً با مشارکت

کار به این اثر افزوده شده است و از دقت نظر لازم برخوردار نیست.

ج. از نظر ساختاری و محتوایی:

از نظر ساختاری و محتوایی نیز کتاب دارای نقائص زیر می‌باشد.

- بخش ساختاری:

۱. عدم وجود فصل یا بخش مستقل در خصوص جایگاه عملیات طریق القدس در استراتژی جدید جنگ و صرفاً اکتفا کردن به درج چند سطر محدود در بخش مقدمه (در صفحات ۶ و ۷) و در سه سطر آخر ص ۳۹ مبحث طرح ریزی عملیات آن هم به صورت مبهم و ناقص. هم چنین چگونگی شکل گیری استراتژی نظامی ایران در فضای جدید حاکم بر کشور نیز بیان نشده است.
۲. عدم وجود بخش یا فصلی مستقل در خصوص زمینه‌سازی بحران‌ها و شورش‌های داخلی ایران قبل از آغاز جنگ و تحرکات مستمر نظامی عراق و ستون پنجم در نقاط مرزی یا عمق مناطق دشت آزادگان در سال‌های ۱۳۵۸ و (شش ماهه اول) ۱۳۵۹.

۳. فقدان اطلاعات مناسب مربوط به مباحث آماده‌سازی نیروها به ویژه یگان‌های سپاه و مردمی در فصل یا بخشی مستقل.

۴. نبود اطلاعات لازم و کافی در خصوص وضعیت حاکم بر کشور مقارن با نبرد طریق القدس به منظور اقناع‌سازی مخاطبان.

۵. فقدان نمایه و فهرست موضوعی در انتهای کتاب به منظور یافتن کلید واژه‌های و واژگان اساسی و پر تکرار برای سادگی و سهولت کار دست‌رسی محققان به مباحث مورد نیاز.

۶. در بخش طراحی و اجرای عملیات، مبحثی در خصوص تک اصلی و پشتیبانی به صورت مستقل وجود ندارد.

پدیدآوردگان اثر در صدد رفع آن ابهام بر اساس اطلاعات یک دهه قبل بدون هیچ کم و کاستی بر آمده‌اند؟*

۶. چرا با وجود انتشار آثار دیگری از سوی سپاه به ویژه مرکز اسناد و تحقیقات جنگ (نظیر اطلس دشت آزادگان)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ستاد کل نیروهای مسلح (نظیر نبردهای دشت آزادگان - کارنامه تاریخ جغرافیای مناطق عملیاتی غرب اهواز ۱۳۶۷-۱۳۵۹) دفتر ادبیات و پایداری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (نظیر نبرد چزابه)، نیروهای بسیج مردمی (نظیر کتاب دشت آزادگان در ۸ سال دفاع مقدس)، جهادسازندگی (نظیر راه پیروزی و عمل کرد جهادسازندگی خراسان در دفاع مقدس) و سایر رزمندگان و اسناد و آثار منتشره هیچ‌گونه برداشتی برای تکمیل چندمین اثر منتشره شده از این دست (در فصل اول) به عمل نیامده تا کاستی‌ها و زوایای مغفول را برای علاقمندان و محققان بگشاید و همواره به درج اطلاعات کهنه، تکراری و ناقص بسنده شده است.

ب. اشکالات شکلی:

کتاب از نظر شکل دارای نقیصه‌های است که به برخی از آنان اشاره می‌شود.

۱. قطع کتاب خارج از عرف استاندارد است و مشخص نیست که بر اساس چه الگوی انتشار یافته است و ابعاد آن مطابق با ابعادی موجود بازار نظیر قطع پالتویی یا رقعی نیست.

۲. صفحه‌بندی کتاب از چارچوب مشخصی پیروی نمی‌کند و فواصل حاشیه‌های متن در بخش‌های مختلف متفاوت و غیر استاندارد است.

۳. قلم متن کتاب یکسان نیست و قلم فصل‌ها با ضمایم کتاب ناهمگون می‌باشد.

۴. گویا متن بخش ضمایم با عجله و پس از اتمام

* لازم به یادآوری است که فصل دوم اثر یاد شده که حاصل مطالعات امیر سرتیپ ۲ ستاد نصراله معین‌وزیری است دارای مطالب و اطلاعات جدیدی است؛ منتها بر پایه اطلاعات سابق به نگارش در آمده است.

- بخش محتوایی

انتشار چنین اثری با محتوای مندرج در آن، هر چند برای چندمین بار و با ادبیات و اطلاعات یکسان نگاشته شده است و تنها در فصل دوم به مباحث آموزشی کاربرد اصول جنگ اشاره کرده؛ با این وجود کاری ارزشمند است و جای مباهات دارد که ارتش در صدد بیان تاریخ رشادت‌های خود بر آمده و فارغ از عرصه‌ی سخت‌افزاری، در حوزه‌های نرم و فرهنگی نیز ظهور و بروز کرده از دل مطالب و اسناد موجود چنین کتابی را منتشر نموده است. در همین راستا باید از هم‌هی دست‌اندرکاران چنین عرصه‌ی تقدیر و تشکر کرد.

از آن جای که اطلاق نام تحلیل عملیات طریق‌القدس این ذهنیت را به اذهان افکار عمومی جامعه متبادر می‌سازد که این مجموعه تازه انتشار یافته در صدد بیان همه‌ی اطلاعات مربوط به آن نبرد افتخار آفرین ملی می‌باشد و از منظر صرف صنفی دوری گزیده و قرار نیست که به تحلیل عملکرد صرف ارتش در عملیات طریق‌القدس مبادرت ورزد، از این رو اشکالات اساسی بر محتویات کتاب وارد است که به بخش‌هایی از آن بدین ترتیب اشاره می‌شود.

۱. با وجود این که در بخش‌های ابتدای و طرح‌ریزی کتاب به موضوع شهادت فرماندهان ارتش و سپاه اشاره کرده و بحث تصدی فرمانده جدید نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مطرح شده- که مورد حمایت سپاه و فرماندهان وقت آن بوده‌اند- اما هیچ اشاره‌ای به قابلیت‌ها و توانایی‌های سپاه نشده است و تنها در صفحات ۳ و ۳۴ اشاره‌ای گذرا به موضوعات فرعی و جانبی داشته و به جای طرح مباحث اساسی، محتوایی و اصلی جلسه صرفاً به تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت دعای فرج آقا امام زمان از سوی فرمانده وقت نزاجا اشاره کرده و در بند سوم صفحه ۳۴ به درج صرف نام

افراد شرکت کننده اکتفا نموده است. در بند سوم ص ۳۳ چنین آمده است که: شور و علاقه زیادی که مسئولین سپاه برای افزایش آگاهی‌های نظامی خود نشان می‌دادند با خاطرات درج شده سپهبد شهید علی صیادشیرازی در صفحه ۳۵ کاملاً متناقض است که عنوان کرده است: «از همان روزهای اول، ارتباط مستقیم با برادران سپاه برقرار شده با فرماندهی سپاه جلسات مکرر داشتیم، دائماً در جلسات بودیم به صورت مشترک برنامه‌ریزی می‌کردیم و بعد به صورت انفرادی دنبال کار خود می‌رفتیم تا مقدمات عملیات را آماده کنیم.» چنانچه از محتوای جملات بر می‌آید کار هر دو سازمان دوشادوش و هم‌پای یکدیگر و در کمال صمیمیت و بدون رجحان یکی بر دیگر از زبان آن شهید سعید بیان شده که در ادامه نیز چنین آورده است:

" جلسات مشترک ستاد تشکیل شد ما ستاد خودمان را از چهره‌های متخصص و زمینه‌دار و متعهد که در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد تدریس می‌کردند تشکیل دادیم، برادران سپاه هم از بچه‌های خوب و آماده و با استعداد استفاده کردند. در نتیجه روی این هدف که کجا تک کنیم بحث کردیم."

چنانچه مشخص است تعبیر بکار رفته پدید آورندگان کتاب تحلیل عملیات طریق‌القدس با فرمانده وقت نیروی زمینی کاملاً متفاوت است و هنوز با گذشت ۳۰ سال از آن دوران پر شکوه ادبیات اشاعه یافته از سوی صاحب‌نظران ارتش همان رویه و صف‌بندی‌های مرسوم آن دوران را دنبال و تأیید می‌کند.

۲. از آن جایی که عملیات طریق‌القدس در راستای استراتژی جدید دفاعی و اولین گام نبردهای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. در این کتاب اشاره واضحی به مباحث معطوف بدین موضوع به صورت مستقل و میسوط نشده است و دلیل آن به روشنی عیان نمی‌باشد.

ترتیب به نام کربلای ۲، ۳، ۴ و... بوده به همین ترتیب تا کربلای ۱۲ یعنی ۱۲ عملیات آفندی بر علیه عراق پیش‌بینی می‌کنیم و فعلاً طرح‌های کربلای ۱، ۲ و ۳ را در تقدم طرح‌ریزی و اجرا قرار می‌دهیم که به ترتیب در منطقه غرب سوسنگرد غرب کرخه و غرب کارون خواهند بود.»

۴. مطالب کتاب به ترتیبی در مبحث طراحی عملیات شکل و قوام یافته که گویی سپاه تابعی از ارتش بود و دستور جزء به جزء لشکر ۱۶ زرهی با عنوان ولی‌اله را اجرا می‌کرد و در واقع مشارکت سپاه در طراحی صرفاً محدود به اطلاع از فعالیت‌های ارتش شده است.

۵. چرا نگارندگان کتاب به درج دیدگاه‌های گوناگونی که بین فرماندهان ارتش و سپاه در جلسات وجود داشت و اختلاف نظر عمیق آنان هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند و این‌که فرماندهان وقت سپاه اصرار به انجام عملیات در محدوده‌ی دشت آزادگان و غرب سوسنگرد و آزادسازی بستان داشته‌اند و در بین فرماندهان و مسئولان ارتش طیف نظرات گوناگونی وجود داشت.

۶. نقش فرماندهان سپاه صرفاً محدود به نام‌گذاری سلسه نبردها و عملیات طریق‌القدس شده است و از کم و کیف و دلایل آن نیز هیچ نکته‌ای به میان نیامده است، این نکته نیز در بند ۳ صفحه ۳۹ درج شده و نقش حسن باقری در مباحث دامنه‌دار عملیاتی صرفاً در حد تغییر نام طرح مانور از "ولی‌الله" به کربلا اشاره شده است، که قبلاً بدان اشاره گردید.

۷. به جزئیات سوابق عملیاتی منطقه و نقش سپاه در این نبردها اشاره‌ای مناسبی نشده است.

۸. نقش و تأثیر شناسایی‌های سپاه در تعیین طرح مانور عملیاتی به ویژه در محور شمال کرخه که اتفاقاً با موفقیت کامل نیز قرین بود بسیار ناملموس و کم رنگ در این اثر درج شده، و هم‌چنین از وجود

۳. با وجود استناد به مطالب و خاطرات سپهبد شهید علی صیادشیرازی مبنی بر این‌که گروه‌هایی از سپاه و ارتش مسئولیت طراحی عملیات طریق‌القدس را به صورت هم‌زمان به عهده گرفتند و مقرر شد قرارگاه نیروی زمینی هماهنگی لازم را با عناصر مسئول رده بالای سپاه پاسداران در این امر به عمل آورد، نکته بارزی به صورت مشخص درج نشده است. در این خصوص در بند سوم صفحات ۳۹ بلافاصله بعد از درج خاطرات چندصفحه‌ای از شهید بزرگوار سپهبد علی صیادشیرازی و بدون اشاره به اختلاف نظرهای بین سپاه و ارتش و هم‌چنین مابین ارتش مبنی بر انجام عملیات در چند جبهه فقط به تهیه و ارائه طرح مانور لشکر ۱۶ زرهی قزوین اشاره شده و در سناریوی تنظیمی کتاب مطالب به گونه‌ای درج گردیده که نیروهای سپاه در واقع منفعل و تابع نظرات ارتش بوده‌اند و پس از این‌که در جریان امور قرار گرفتند تنها برای همراه بودن و هماهنگی لازم صرفاً پیشنهاد تغییر نام عملیات را به صورت مستقل داده‌اند که پس از اطلاع فرمانده نیروی زمینی این امر مورد موافقت ایشان قرار گرفته است.

به طوری‌که در بند سوم صفحه ۳۹ چنین درج شده است:

این طرح عملیاتی "ولی‌الله" نام‌گذاری شده بود و در شور ستاد مشترک ارتش و سپاه مطرح گردید. قبل از هر چیز پاسدار حسن باقری (شهید حسن افشردی) مسئول اطلاعات سپاه اعلام داشت که بهتر است برای طرح نام کربلا انتخاب شود. این پیشنهاد بدون درنگ مورد موافقت فرمانده نیروی زمینی ارتش قرار گرفت و در ادامه چنین مطالبی درج شده: «چون عملیات متعددی در جبهه‌های جنوب و غرب بر علیه دشمن پیش‌بینی می‌گردد، لذا یک شماره ترتیب هم به طرح اضافه می‌کنیم تا از یکدیگر مشخص شوند و لذا طرح جاری به عنوان اولین طرح عملیاتی ارتش و سپاه به نام طرح کربلا ۱ و طرح‌های عملیاتی بعدی به

از فصل دوم موضوعی در خصوص پیشنهاد سپاه درج شده مبنی بر این که «از سوی سپاه پاسداران پیشنهاد گردید که ختم عملیات کربلای ۱ اعلام شود. این پیشنهاد مورد موافقت فرمانده نیروی زمینی قرار نگرفت.» که این بخش از اطلاعات کاملاً اشتباه می‌باشد و هیچ‌گونه مستنداتی مبنی بر آن وجود ندارد. اساس چنین موضوعی روشن نیست و استناد آن در سایر کتاب‌های منتشره ارتش نیز بدون ارجاع به مدارک یا سوابقی به نگارش در آمده است. شایسته است در صورتی مستندات معتبری وجود دارد بدان اشاره شود و صرف درج حدسیات و اقوال بدون اعتبار دیگران نمی‌توان پایه معتبری برای ارائه مباحث یاد شده باشد.

بنابراین در صورت عدم وجود مستنداتی باید این جمله حذف شود و به ترتیب شایسته اصلاح گردد. بر اساس اسناد و مدارک موجود در این مرکز و دستورات فرمانده کل سپاه و سایر مسئولان ذیربط سپاه در صدد گسیل نیروهای تازه نفس برای اتمام مراحل نبرد بوده است.

این موضوع مربوط به حمله عراق به تنگه چزابه در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ می‌باشد که از سوی محسن رضایی فرمانده کل سپاه خطاب به غلامعلی رشید بیان شده که: «دشمن از منطقه عملیاتی آینده نیروهای مسلح ایرانی مطلع شده و با حيله و پیش‌دستی در صدد است تا با پاشیدن سازمان رزم از چنین اقدامی (عملیات گسترده نیروهای ایرانی) جلوگیری کند» اتفاقاً چنین پیش‌بینی نیز درست از آب در آمد و برغم صرف ۳۰ گردان از سوی سپاه با فرماندهی حسن باقری در منطقه عملیاتی دشت آزادگان سایر فرماندهانی نظیر غلامعلی رشید به منطقه عملیاتی فتح‌المبین به منظور آماده شدن برای نبرد آینده، عزیمت کردند. اگر چنین موضوعی صحت داشت چرا براساس خاطرات سپهبد شهید علی صیادشیرازی مندرج در صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶ این اثر

فرماندهانی شاخصی نظیر حسن باقری و سیدعلی حسینی که به اذعان فرماندهان وقت یگان‌های ارتش (امیر لطفی فرمانده لشکر ۱۶ زرهی، امیر بهرامی فرمانده تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی، امیر مهدی رادفر، امیر ایرج جمشیدی و ...) در همایش ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ این مرکز در خصوص عملیات طریق‌القدس منحصر به فرد و تعیین کننده به صورت ملموس و تعیین کننده‌ای نامی به میان نیامده است.

۹. در بخش‌های گوناگون (از مرحله طراحی تا اجرا) این اثر انتشار یافته ارتش آمار نیروها، استعداد سازمان رزم سپاه در شمال و جنوب کرخه به وضوح بیان نشده است و صرفاً به درج آمار و طرح مانور کلی اکتفا شده است.

۱۰. در مبحث طرح ریزی (ص ۶۹) نام رحیم صفوی به عنوان فرمانده تیپ ۴ امام سجاده^(ع) درج شده است اشتباه است و فرد دیگری تصدی این مسئولیت را عهده‌دار بوده‌اند و در پاورقی همان صفحه وجود و هویت چنین مکانی را کان‌لم‌یکن تلقی کرده و آن را تحت امر تیپ امام حسین^(ع) قرار داده است که این موضوع نیز صحت ندارد.

۱۱. در بخش اجرای عملیات (مطالب صفحات ۹۰ الی ۱۳۴) اشاره بسیار کم رنگی به عملکرد یگان‌های سپاه دارد و در خصوص عملکرد گردان‌های زرهی ارتش که در واقع دنبال پشتیبان نیروی زمینی یگان‌های سپاه بوده‌اند تا اندازه‌ای به جزئیات کار آنان اشاره شده اما درباره‌ی عملکرد گردان‌های زمینی سپاه- که مأموریت خطیر و اصلی خط‌شکنی را به عهده داشته‌اند و حماسه‌های بسیاری را آفریده‌اند- مطالب کلی و مبهم در این کتاب درج شده است یا این که مطالب مندرج در اثر یاد شده فاقد آمار و اطلاعات دقیق و مکفی برای مخاطبان می‌باشد. در عین حال به عملکرد یگان‌های زرهی و مکانیزه سپاه نیز اشاره مشخصی نشده است.

۱۲. در صفحه ۱۱۰ بخش سوم اجرای عملیات

ستودنی است و انتظار می‌رود تا با خلق آثاری بدیع و پرهیز از صنفی‌گری به حریم‌های ملی نزدیک شوند و بتوانند به بیان حقایق برای نسل کنونی و آینده به شایستگی و درج هم‌ی زوایای نبرد اقدام فرمایند.

به تلاش مشترک نیروهای سپاه و ارتش در قرارگاه منتظران شهادت (گلف) به وضوح اشاره شده است. ۱۳. برخی اسامی افراد سپاه و ارتش و حتی درجات آن به اشتباه درج شده است.

۱۴. بخش شرح عملیات در مجموع بسیار ناقص و ابتر درج شده و حماسه‌های نیروهای شرکت‌کننده به ویژه سپاه و بسیج در آن مغفول مانده است.

۱۵. فصل دوم کتاب تا اندازه‌ای با سایر آثار منتشره ارتش در خصوص عملیات طریق القدس تفاوت دارد اما نیاز به درج مصادیق گوناگون دارد که این مهم صرفاً با ارجاع هر یک از اصول جنگ به مباحث فصل اول اکتفاء شده است.

۱۶. هر یک از موضوعات فصل دوم فاقد یک چارچوب و سناریوی مشخص است.

۱۷. در برخی از موارد فصل دوم به درج حداقل مطالب نظیر مبحث سرعت عمل و کاربرد عوامل غیرمنتظره و... اشاره شده است.

* * *

در مجموع می‌توان اذعان داشت که اثر تهیه شده فاقد گرایش ملی است و تنها به بیان عملکرد ارتش در عملیات طریق القدس اقدام کرده است که با وجود تلاش پدیدآورندگان اثر از جامعیت لازم و اطلاعات کامل برخوردار نمی‌باشد.

اما نمی‌توان به جایگاه این اثر در بین سایر آثار ارتش و نوآوری جدیدی که با عزم و اراده امیر سرتیپ ۲ ستاد نصرت‌اله معین‌وزیری به نگارش در آمده در فصل دوم به نگارش در آمده منکر شد و تلاش و اهتمام همه‌ی فرماندهان و پژوهش‌گران و اهالی قلم ارتش جمهوری اسلامی ایران برای درج وقایع مقطعی از جنگ را باید ستود اما امیدواریم از نگرش و گرایش صنفی دور و به شاخص‌های ملی نزدیک گردند. در عین حال تلاش پیشکسوتان و حماسه‌سازان صحنه‌های نبرد در قالب آثار این‌چنینی